

یورش شبانگه به کارگران فولاد!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۲

رضا پهلوی و افق انقلاب مخملی

خالد حاج محمدی

این نگرانی و نومییدی و یاس این صف فضای امروز ایران است که نه تنها اپوزیسیون راست که کل حاکمیت را نیز با چلنجی بزرگ روبرو کرده است. در حقیقت حاکمیت از ولی فقیه تا دولت روحانی و تا بازماندگان اصلاحات که تنه بی جان و رمق خود را به زور سرپا نگاه داشته اند، تا اپوزیسیون بورژوازی جمهوری اسلامی در این نگرانی شریکند. این نگرانی از شورش دیماه شروع شد و در ادامه خود به پدیده بزرگی تبدیل شد که رنگ خود را به کل فضای سیاست ایران زده است. ... صفحه ۴

و گذار مسالمت آمیز، همگی بیان نگرانی او از فضای سیاسی امروز ایران و عروج طبقه کارگر و محرومین جامعه علیه بردگی و فقر و بی حقوقی، علیه سرمایه داری و تلاش آنها برای شکل دادن به تشکلات خود و دخالت در سرنوشت جامعه است. معلوم است تحولات اخیر رضا پهلوی را نه تنها نگران که بعلاوه بشدت ناامید کرده است. نگرانی امروز رضا پهلوی و بسیاری از نیروها و جریانات مختلف راست از طرفداران سلطنت تا گروههای قومی و فرقه های باند سیاسی از تیپ مجاهد بسیار قابل درک است. دلیل

تحولات جامعه ایران در یک سال گذشته همه امید و آرزوی اپوزیسیون راست را زیر و رو کرد. رضا پهلوی از چهره های شاخص اپوزیسیون راست با درک این اوضاع و در حمایت طیفی از جریانات راست و رسانه های بزرگ پا پیش گذاشته است تا به عنوان شخصیت یک سناریوی رنگ باخته به مردم ایران فروخته شود. او در آخرین سخنان خود در ۱۴ دسامبر در انستیتو واشنگتن خواهان تغییر رویکرد آمریکا و دولتهای اروپایی در قبال ایران شده است. او خواستار این شده است که تغییر رژیم ایران و در حقیقت رژیم چنچ به سیاست رسمی دولت ترامپ تبدیل شود، خواستار این است که آمریکا اقداماتی جدی تر و ملموس تر علیه ایران انجام دهد، تحریمها علیه ایران را به صورتی پیش ببرد که ضمن فشار "کتر" به مردم، فشار بر جمهوری اسلامی ادامه یابد. او همزمان خواهان ضبط اموال مقام های ایرانی به نفع اپوزیسیون و بعلاوه "گذار مسالمت آمیز از رژیم ایران" شده است.

سخنان رضا پهلوی چیزی جز تکرار سیاست قدیمی خود مبنی بر دست بردن قدرت از بالا و قیچی کردن دخالت پایین جامعه و حفظ کل دستگاه سرکوب از کانال یک انقلاب مخملی به کمک غرب نیست. پناه بردن رضا پهلوی به دولتهای غربی و در راس آن دولت ترامپ و خواست دخالت جدی تر آنها و در دستور قرار دادن رژیم چنچ

تاجزاده و کالای بنجل

اصلاح طلبی

آسو فتوحی

مصطفی تاجزاده از متفکرین جمهوری اسلامی اخیرا در مصاحبه ای از تاریخ جنایات و کشتار حکومت مطبوع اش دفاع میکند و برای خود و سردمداران و مسئولین و مسببن چهار دهه جنایت و اعدام و شکنجه پرونده ای سفید می سازد. ایشان با استناد به تاریخ به تبرئه همسرنوشتی هایش و حکام و سردمداران جمهوری اسلامی می پردازد و میفرماید که: "این تعداد از کشتار منطقی بوده. ما در اول انقلاب فقط پانصد نفر کشتیم و حتی در اعتراضات هشتاد و هشت فقط دویست نفر کشتیم که دزد و خائن و فاسد و از نظر گرایش فکری با ما نبودند و از ارزشهای ما فاصله داشتند."

تاجزاده با زیرکی خشونت و کشتار بعد از انقلاب توسط جمهوری اسلامی را با انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر مقایسه میکند و میگوید در مقایسه با این انقلابها، انقلاب اسلامی کمتر خونین بود. آقای تاجزاده حق دارد انقلاب ۵۷ یکی از کم خونین ترین و "مسالمت آمیزترین" انقلابهای قرن بود، کشتار و قتل عام جمهوری اسلامی در سالهای ۵۸ تا ۶۱ جنایت رژیمی بود که با رسالت به خون کشیدن این انقلاب به قدرت رسید و چهار سال سرکوب خونین این انقلاب از تهران تا کردستان، از کارخانه تا دانشگاه ادامه داشت. صدها هزار اعدام، تحمیل جنگ به مردم در کردستان نه در طی انقلاب که پس از آن و توسط ضد انقلاب حاکم، آقای تاجزاده و یارانشان، صورت گرفت.

باید گفت که در بررسی رویدادهای تاریخی و جنایات هولناکی چون نسل کشی ها و کشتارهای عظیم نمی توان با اتکا به ارقام و اعداد جنایتی را موجه و دیگری را غیرانسانی جلوه داد. ارتکاب قتل شخصی یا دولتی چه یک نفر چه هزاران نفر فرقی نمی کند جنایت است و برای جنایت و جانی با هر درجه از بی شرمی نمی توان پرونده سفید درست کرد. آقای تاجزاده حافظه مردم را دست کم میگیرد، جامعه هنوز اعدام در خیابانها با سوال "کمونیستی یا نه"، "خدا را قبول داری یا نه" را فراموش نکرده اند. ... صفحه ۳

از یک پیروزی به

پیروزی بعدی

در مورد آزادی اسماعیل بخشی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

اسماعیل بخشی، نماینده کارگران نیشکر هفت تپه و میثم آل مهدی نماینده کارگران فولاد آزاد شد از زندان آزاد شدند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن شادباش گویی و تاکید بر نقش مقاومت اسماعیل بخشی و تشکر از حمایت های افکار عمومی در داخل و خارج کشور و تشکل های کارگری در ایران و جهان، به حق این آزادی را نه محصول "پیگیری مسئولین شرکتی و دولتی" که حاصل تداوم مبارزه خود و هم طبقه ای هایشان در فولاد اهواز اعلام کرده است و اعلام کرده است که تا آزادی همه دستگیر شدگان، این مبارزه را ادامه خواهد داد. کارگران فولاد اعلام کرده بودند که "این بگیر و ببندها پاهایمان را سست نخواهد کرد و قدمهایمان را برای رسیدن به اهداف محکم تر و دلهایمان را قرص تر خواهد کرد!" ... صفحه ۲

حکومت کارگری

برابری

آزادی

یورش شبانگاه...

نیمه شب گذشته نیروهای امنیتی خلوت شب را برای یورش به منازل کارگران فولاد و نمایندگان و سخنگویان آنها مناسب دیدند و وحشیانه تعدادی از آنها را دستگیر کردند. طبق اخبار کانال کارگران فولاد ۱۹ نفر از آنها دستگیر شده اند. اسامی دستگیر شدگان تا این لحظه از قرار زیر است: عیسی مرعی، غریب حویزایی، مرتضی اکبریان، امین علوانی، کریم سیاحی، مصطفی عبیاتی، طاروق خلفی، میثم فنوانی، مسعود عفری، جعفر سبحانی، حامد جودکی، محسن بهبهایی، احسان یوسفی، محسن بلوطی، یاسر ابراهیمیان، کورش اسماعیلی، حسین داوودی، علی عقبی، کاظم حیدری و مجید جنادله. این یورش در شرایطی انجام میگردد که کارگران گروه ملی فولاد امروز سی و هشت روز است با صدای رسا و متحد و یکپارچه خواست و مطالبات خود و اعتراض به بی حقوقی و فقر را به گوش حاکمین و سرمایه داران رسانده اند. کارگران فولاد امروز و علیرغم دستگیری ۱۹ نفر از رفقا و همکاران خود، در چهار راه نادری اهواز تجمع کردند و با شعار "کارگر زندانی حمایتت میکنیم" و "اهوز شده فلسطین مردم چرا نشستین"، به جمهوری اسلامی و کارفرمایان اعلام کردند که با این توطئه ها نمیتوانند صدای حق طلبی کارگران را خاموش و اتحاد و همبستگی آنها را به شکست بکشانند. حمله بزدلانه و شبانه نیروهای امنیتی به کارگران گروه ملی فولاد ادامه تلاشهای تا کنونی آنها علیه کارگران فولاد و

هفت تپه و تهدید و احضار و تلاش برای پرونده سازی علیه آنها، ادامه ارسال هیتهایی از مقامات دولتی برای فریب دادن آنها و ادامه تلاش برای نفاق و ایجاد چند دستگی در میان آنها است. اعتراض و تجمع امروز کارگران فولاد، پیام راسخ و متحد آنها در مقابل کل این تلاشهای سرکوبگرانه بود. اعلام کردند که با این ترندها سرانها کلاه گذاشته نمیشود، اعلام کردند با دستگیری هر تعداد از نمایندگان و سخنگویان آنها تعدادی دیگر پا جلو خواهند گذاشته و آنها را نمایندگی خواهند کرد. کارگران فولاد اعلام کردند پشت نمایندگان و رفقای خود خواهند ایستاد، آنها را تا آزادی کامل و بی قیدوشرط تنها نخواهند گذاشت و به خانواده های آنها پیام دادند که از حمایتهای همه جانبه کل کارگران فولاد برخوردار هستند. کارگران فولاد همزمان به دولت و کارفرمایان اخطار دادند که در صورت عدم آزادی فوری همه دستگیر شدگان، با اتحاد و همبستگی خود و با حمایت مردم محروم، اهواز را به لرزه در خواهند آورد. کارگران گروه ملی فولاد و کارگران هفت تپه در این مدت صدای رسای کل طبقه کارگر ایران و همه مردم محروم و منزجر از فقر و بی حقوقی بوده اند. تلاش رذیلانه حاکمین در حمله شبانه به آنها، دستگیری فعالین آنها، محاکمات فردی و غیر آوردن کارگران و حامیان آنها به تنهایی و در سیاهچالهای خود، پرونده سازی و تلاش برای اعتراف گیری، تعیین وثیقه های سنگین و گرو گرفتن نان شب

خانواده های آنها، شایعه پراکنی در مورد فعالین خوشنام آنها، تهدید و ترساندن هم طبقه ای ها و حامیان کارگران و منع آنها از حمایتهای بی دریغ خود از فولاد و هفت تپه و... همگی به قدمت چهل سال حاکمیت جمهوری اسلامی ادامه داشته است. اینها ترندهای آشنا حاکمیت در مقابل حق طلبی طبقه کارگر و محرومین جامعه اند. این ترندها در مقابل صف متحد و یکپارچه کارگران فولاد و هفت تپه، در مقابل حمایت وسیع بخشهای مختلف طبقه کارگر ایران، معلمین، پرستاران، دانشجویان و مردم شرافتمند اهواز و شوش و... رنگ خواهد باخت. کارگران فولاد و هفت تپه تا هم اکنون دستاوردهای درخشانی را کسب کرده اند. دهها بار دور هم جمع شده اند، با هم تصمیم گرفته اند و با هم پای اقدامات مورد نظر خود رفته اند. همین حقیقت و هوشیاری و عدالتخواهی آنها، اتحاد بالای آنها، اتکای آنها به نیروی متحد خود و هم طبقه ای ها و مردم شریف و آزادیخواه، فریب نخوردن و التماس نکردن از سرمایه داران و حاکمیت و عوامل آنها و اتکا به خود، آنها و رهبران و سخنگویانشان را در چشم طبقه کارگر و محرومان جامعه، به عنوان پاره تن خود و به عنوان سخنگو و نماینده دهها میلیون انسان جای داده است. امروز تلاش برای آزادی کارگران فولاد، تلاش برای آزادی علی نجاتی و ملغی کردن همه پرونده ها و وثیقه های سنگین برای کارگران فولاد و هفت تپه از جمله وثیقه سنگین برای اسماعیل بخشی، آزادی حامیان آنها از

جمله سپیده قلبان و عسل محمدی و پایان دادن به تعقیب و فشار و تهدید مرکز پلیسی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی، بر دوش دهها میلیون کارگر و انسان آزادیخواهی است که به پیروزی هفت تپه ای ها و کارگران فولاد چشم دوخته اند. کارگران فولاد و هفت تپه و گروهانهای آنها و خانواده هایشان را نباید تنها گذاشت. مراکز پلیسی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی، قضات و شکنجه گر و زندانبانان آنها و روسایشان را باید افسار کرد.

کارگران فولاد و هفت تپه شایسته بزرگترین حمایتها هستند. زندانیان آنها گروهانهای دهها میلیون انسان حق طلب و آزادیخواه در ایران اند. همه باید فوری آزاد شوند و همه پرونده ها و بگیر ببندها باید پایان یابند.

زنده باد اتحاد کارگران
زنده باز آزادی و برابری
حزب کمونیست کارگری-
حکمتیست (خط رسمی)
۲۶ آذر ۱۳۷۹
۱۷ دسامبر ۲۰۱۸

از یک پیروزی به...

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست (خط رسمی)، ضمن شادباش آزادی اسماعیل بخشی و میثم آل مهدی به کارگران هفت تپه، فولاد اهواز و همه هم طبقه ای ها، معلمان، دانشجویان و زنان و مردانی که برای رها کردن گروهان هایشان از حبس، لحظه ای آرام نگرفتند، درود میفرستد! ما خود را در این پیروزی، در کنار مبارزه سندیکای هفت تپه و سایر بخش های طبقه کارگر و همه حامیان آن می دانیم! شریک شادی آنها و در کنار آنها برای تداوم مبارزه برای آزاد همه دستگیر شدگان "پسahفت تپه" هستیم.

آزادی همه زندانیان دستگیر شده، و به قدرت خود، ممنوع و متوقف کردن دستگیری و احضار و بازجویی و بازپرسی، به قدرت خود، اولین گام در پیروزی بر دشمنانی است که جز فقر و محرومیت و نا امنی، رو به طبقه کارگر، حرفی ندارند.

زنده باد آزادی و برابری
زنده باد کمونیسم

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)
۲۱ آذر ۱۳۹۷ - ۱۲ دسامبر ۲۰۱۸

سایت آرشیو مجموعه آثار

منصور حکمت

<http://hekmat.public-archive.net/>



فیلتری را که بر چشم و گوش گذاشتید بردارید تا روشن تر و بهتر ببینید و بشنوید. برای مردم بخروش آمده نمی توانید جوک بگوئید. ایندرجه از قطبی شدن جامعه را نمی توانید با "تحلیل هایی" مخفی کنید، چه اندازه دیگر قطبی شدن می خواهید بشنوید؟ آیا فریاد "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تموم ماجرا" تیر خلاص را بر پیکرتان زده است؟

جدال رو در رو مدتها است آغاز شده و تلاش در بازارگرمی برای کالای بنجل اصلاح طلبی یا ترساندن مردم از خون پاشیدن به انقلابشان از حالا شکست خورده. آقای تاجزاده بهتر از هر کسی میاند برای مقابله با این جامعه قطبی شده و آماده جنگ باید علیه سیل عظیم کارگران معلمان، دانشجویان از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب بایستند. باید در برابر صف مصمم زنان ایران و اکثریت جامعه که با شعار امنیت و رفاه و آزادی و برابری به خیابان آمدهاند، بایستند. امری که جمهوری اسلامی امروز از آن عاجز است.

باید به صف عظیم کارگران، زنان، معلمان، دانشجویان و مردم آزادیخواه و برابری طلب، خسته نباشید گفت که با قدرت نیروی اتحادشان، لرزه و هراس بر اندام بورژوازی و نظامش انداخته اند.

زنده باد اتحاد طبقاتی

جامعه ای که تجربه انقلاب ۵۷ را دارد اینبار برای به زیر کشیدن حاکمیت با قدرتی متحدتر، آگاه تر، با طبقه کارگر و کمونیستهای متحذب، رادیکال، ماگزیمالیست و روشن بین تر به جدال بورژوازی می آیند و آینده را از آن خود میکنند.

زمانیکه خامنه ای اعلام کرد: "نفوذ بیگانه و اجنبی و آمریکا و عربستان در کار است" کارگران فریاد می زنند: "به ما حقوق نمیدن مرگ بر آمریکا"، پیام دندان شکن تر از این می خواهید. پرونده شما و سپاه و آمریکا و عربستان و مزدبگیرانتان یکجا بسته شد.

زنان جامعه به حکام اسلامی می گویند دست و پا زدن بیشتر در باتلاق حکومت ضد زن تان به غرق شدن بیشترتان کمک میکند. زنان جامعه از نظر سنت، فرهنگ و ارزش ها با شما نیستند. اعتراضات امروز زنان تنها حکم برچیده شدن نظام مورد نظر ایشان را نوید میدهد. ظاهرا پیام سمینارها و سخنرانی های آتشین زنان را در هشت مارس نشنیده اند. دختران انقلاب پیام روشنی برای تاجزاده ها گذاشتند. زنان گفتند که حکومت و همچنین ناجی نظام متحجر و زن ستیز و مدافع تحقیر زن نمی خواهیم. عربستان و آمریکا هم نمی خواهیم. آزادی و رفاه و برابری حقوقی و حقیقی و بازگشت حرمت انسانی که در شأن زنان باشد می خواهند و شعارشان است. مردم عاصی به روشنی شعار "دشمن ما همینجاست؛ دروغ میگو آمریکاست" را به گوش امثال این متفکر رژیم اسلامی رساندند.

جامعه دارد به رژیم می گوید

اصلاحات در جامعه زنده است و تا حرف خاتمی در افکار عمومی پذیرش دارد، نه انقلاب در ایران شکل می گیرد و نه کشورهای خارجی می توانند در آن دخالت کنند. اصلاح طلبان می توانند همچنان به باز شدن راه کمک بکنند و برای این منظور صریح تر از گذشته با حکومت و مردم صحبت کنند. اصلاح طلبان باید خواستار برچیده شدن دولت پنهان و بازگشت نظامیان به پادگان ها شوند. برگزاری انتخابات سالم، تاسیس شبکه های خصوصی، رفع فیلترینگ، به رسمیت شناختن حقوق و سبک زندگی یکدیگر باید از دیگر مطالبات و اهداف اصلاح طلبان در دوره فعلی باشد.

اولین پیام تاجزاده به سران حکومت جمهوری اسلامی این است که، اگر جناح او را هم در قدرت سهیم کند و بیشتر بازی بدهند، آنها می تواند شانس برای نجات نظام باشد. کسی باید به تاجزاده بگوید که از قافله بسیار عقب هستید. دوره ای که اصلاح طلبی سوپاپ اطمینان بود تمام شده. آندروه سوخت و برباد رفت. دیمه سوت رفتن جمهوری اسلامی از ولی فقیه تا اصلاح طلب، از خوش خیم و بدخیم آنرا به صدا درآورده، اینرا رقبای تاجزاده به خوبی میدانند. تلاش تاجزاده برای فروش کالای بنجل اصلاح طلبی به جناح رقیب آنها در ایندوره فقط نشان از استیصال و بن بست اینها دارد.

جامعه ایران هیچوقت تا این حد قطبی نبوده، هیچوقت تا این حد امید به تغییر به قدرت خود در میان مردم و بویژه طبقه کارگر بالا نبوده. هیچوقت تا این حد به جمهوری اسلامی و جناح های آن بی توهم نبوده.

مطالباتتان کوتاه نیاید جامعه را برایتان به برزخ بدل می کنیم. این مهره ها از الاهواز تا ناسیونالیسم و قوم پرستان، تا باندهای درون رژیم، سپاه پاسداران، عربستان، آمریکا و موجب بگیرانشان همه در منطقه هستند. تعمیم این تحلیل ها به تحولات امروز جامعه ایران یک وصله ناجور است. آقای تاجزاده گرای پرتاب بمب تهدید و هراساندن جامعه را اشتباه گرفته است.

رادیکالیسم و فشار پایین جامعه، تحرکات و مطالبات زنان و معلمان و کارگران و مردمی که رفاه و امنیت و آزادی و آسایش می خواهند، زنگ خطری برای کل بورژوازی در ایران است. تاجزاده سوت پایان عمر جمهوری اسلامی را شنیده و با هشدار "ایران را سوریه میکنیم" به جنگ جنبشی که برای به زیر کشیدنشان به میدان آمده میروند.

باید اذعان کنم که، از یوزسیون تا یوزسیون بورژوازی از خامنه ای تا تاجزاده و رضا پهلوی و همگی شیور جنگ طبقاتی محرومین ایران و کارگران قدرتمند جامعه را شنیده اند. ادامه این جنبش، تصویر هراس انگیز نبودن شان را به دست برایشان نمایان ساخته است و به همین دلیل دست به دامان این "تحلیل ها" و در اصل تهدید ها می شوند.

تاجزاده در ادامه مدعی است که: "در ایران انقلاب و تغییر رژیم سیاسی صورت نمی گیرد. انقلاب اساساً در دوره هایی صورت می گیرد که جامعه دو قطبی شده باشد. مادام که درصد عظیمی از مردم اصلاح سیستم را به تغییر آن از طریق انقلاب ترجیح می دهند. تا

تاجزاده و ...

آقای تاجزاده بیهوده تصور میکند اگر ایشان و یارانشان امروز با فوکول کراوات حرف از "پرهیز از خشونت" و اصلاح رژیم بزنند، جامعه هم آنها را نه در قامت سرکوبگران و عاملین کشتار دیروز که متفکر و دگراندیش نگاه میکنند. مردم در ایران تاریخ سیاه به قدرت رسیدن اینها را فراموش نکرده اند!

دوم اینکه آمار قتل و جنایت دولت مطبوع شما بسیار سنگین تر از این حرفهاست. با تحویل دروغ و تحریف و منطقی جلوه دادن قتل عام مردم نمی توانید جان شیرین هزاران انسان شریفی را که در طول چهل سال حاکمیت ننگینان با اعدام و شکنجه در زندانهایتان گرفته اید زیر فرش کنید. پرونده تاجزاده و همپالگی هایش بسیار سیاه تر از این حرفها است.

تاجزاده متفکر اصلاح طلب و ناجی حکومت در مصاحبه دیگری می گوید: "اتفاقات سال های اخیر بعد از بهار عربی بیم عمیق و گسترده ای بین مردم ایجاد کرده که ممکن است انقلاب ... پیامدهای بسیار ویرانگری داشته باشد که قبلاً با آنها مواجه نشده بودیم".

بله به درست تحولات منطقه و ایران می تواند در نظر گرفتن نیروهای ارتجاعی دخیل در این امر به سمت سوریه ای و عراقیزه شدن برود و اتفاقاً تاجزاده و یارانش از مهره های اصلی تبدیل کردن جامعه به سوریه و گردانندگان سناریو سیاهی کردن جامعه هستند. این همان حربه آنها و سران رژیم برای تهدید مردم است که بگویند: "اگر از خواست و

مرک بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

رضا پهلوی و ...

شورش دیماه سیمای سیاسی ایران را دستخوش تحول قرار داد و دگرگونی های سیاسی به نفع محرومان را به عنوان شبحی بر فراز جامعه ایران نمایان کرد. از دیماه تا کنون این طبقه کارگر و محرومان جامعه اند که رنگ خود را به سیمای سیاسی ایران زده اند. بدنبال دیماه و تحرک محرومان علیه حاکمیت مشتی پولدار و مافیای سرمایه، شاهد اعتراضات وسیع طبقه کارگر و بخش محروم جامعه به بی حقوقی، به بیکاری، فقر، گرانی و همزمان به استبداد حاکم بوده ایم.

اعتراضات این دوره کارگران هفت تپه و گروه ملی فولاد، اتحاد و همبستگی بالای آنها، مطالبات بر حق آنها به عنوان بخشی از خواست و مطالبه دهها میلیون کارگر و خانواده های آنها و مردم محروم، سمپاتی وسیع مردم آزادیخواه به آنها و حمایتی مختلف از کارگر فولاد و هفت تپه در سراسر ایران، بار دیگر مهر عدالتخواهی این طبقه علیه فقر و بردگی و استثمار و برای آزادی و رفاه را بر فضای سیاسی ایران حک کرد و کارگر هفت تپه و فولاد را به عنوان نماد مقاومت و آزادیخواهی جامعه در مقابل حاکمین قرار داد. این حقیقت برای اولین بار در بیش از چهار دهه گذشته فعال و رهبر کارگری را به عنوان شخصیتی بزرگ و مهم و در قامت نماینده عدالتخواهی به صحنه آورد و همه شخصتهای راست از رضا پهلوی تا اصلاح طلب و دگر اندیش و قومگرا و دمکرات را به پشت صحنه راند. معلوم شد اگر دامنه اعتراضات از هفت تپه و فولاد قدمی فراتر رود و اگر کارگر نفت، گاز، ماشین سازی و دهها مرکز بزرگ صنعتی و خدماتی پا پیش بگذارند، نه تنها همه شخصتهای راست مرخصند که همه آلترناتیوهای آنها به سربانی تبدیل خواهد شد. تکاپوی

مشترک رضا پهلوی های سیاست ایران و روسا و مقامات جمهوری اسلامی مستقل از هر ادعایی که خود دارند، اساسا از این نگرانی و ترس مشترک مایه میگیرد. بحث گذار مسالمت آمیز رضا پهلوی و صف وسیعی از سیاسیون و سخنگویان و شاعر و نویسند و دگراندیش لیبرال در حقیقت تلاش برای مقابله با عروج کمونیستهای طبقه کارگر در این دوره است.

بعلاوه این حقایق بار دیگر همه نقشه ها و برنامه های جمهوری اسلامی و اتاقهای فکری و مراکز تصمیم گیری آنها را و همزمان همه آرزوهای اپوزیسیون راست را با سوالات جدی طرف کرد. خطر عروج طبقه کارگر و خطر انقلاب پایین علیه بالا، خطر قدرتگیری کمونیسم و آزادیخواهی در دل این تحولات یک بار دیگر حاکمین و اپوزیسیون راست آنها را مجبور کرد که این وزنه بزرگ را به عنوان خطری واقعی و عینی در مقابل خود ببینند و روی آن حساب و علیه آن چاره اندیشی کنند.

در ابتدای این دوره اپوزیسیون راست نیز به تکاپو افتاد و به کمک رسانه های غربی تلاش وسیعی به خرج داده شد که وانمود کنند، مردم ایران عکس شاه را در ماه دیده اند و منتظر عروج فرزند او در قامت رهبر و ناجی مردم ایرانند. رضا پهلوی همراه با جریانات راست پرو غرب در این راستا تلاش فراوانی کردند، لباس کارگر دوستی و دمکرات منشی به تن کردند و سعی نمودند به جامعه حقنه کنند که شاهزاده در راه است و آینده محرومان جامعه با یک حکومت شاهنشاهی و مردم سالار از نوع دوران گذشته، با کنار گذاشتن ولی فقیه و دستگاه مذهبی و با حفظ ارتش و ارگانهای سروکوبگر و به کمک آمریکا و دول غربی، بهتر خواهد شد.

اما تحولات اخیر و خصوصا مبارزات قهرمانانه کارگران هفت تپه و فولاد و حمایتی وسیع و سمپاتی سراسر محرومان از آنها،

حاکمان و اپوزیسیون راست او از جمله شخص رضا پهلوی را هم بیدار کرده است. و البته اوضاع این روزها نه تنها افقهای امید امریکا و رژیم چپ رضا پهلوی را حاشیه ای کرده است که کل افق دهها گروه تا مغز استخوان ارتجاعی از نوع مجاهد، باندهای قومی و مذهبی و جریانات ناسیونالیستی که روی تخصصات امریکا با جمهوری اسلامی و روی موشدوانی دول مرتجعی چون عربستان و اسرائیل و امکانات آن حساب باز کرده بودند را نیز با مشکلات به مراتب بیشتر از رضا پهلوی مواجه کرده است.

امروز جامعه چشم امید به طبقه کارگر دوخته است و خطر کارگر متحد و عروج آن بیت رهبری و همه روسای حاکمیت را نیز به تکاپو انداخته است. خامنه ای پا پیش گذاشته است که خطر آمریکا و کار ضد امنیتی او را سپری در مقابل تعرض محرومین به کل هست و نیست نظام قرار دهد. ایشان روز چهارشنبه ۱۲ دسامبر طی سخنانی در جمع خانواده "شهدا" تاکید کرده است که: "نقشه آمریکا این است که به کمک تحریم و کارهای ضد امنیتی در کشور اختلاف و جنگ داخلی و مشکلات ایجاد کنند." او گفته است: "همه باید تلاش خود را برای تقویت اقتصاد کشور و تولید ملی مضاعف کنند ..."

سخنان خامنه ای سخنان کسی است که کشتی نظامش به گل نشسته است و از حربه دشمن خارجی و حمله امریکا و جنگ اقتصادی او، از تحریکات دولت ترامپ و مرتجعین منطقه ای و محلی آنها، به عنوان اسلحه ای علیه مردم ایران استفاده میکند. تولید ملی مضاعف و خطر کار امنیتی و جنگ داخلی، نسخه های یک تعرض دستی راستی به طبقه کارگر و مردمی است که به "آقا" و همراهانش، به امریکا و کشمکش او و جمهوری اسلامی، به استبداد و فقر و استثمار حاکم نه گفته است. این ابزار و فرمایشات خامنه ای و

نشریه حکمت

حزب حکمتیست (خبرنامه)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistKhatRasmi

تمامی باحزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

سرمایه داران و دولتشان" را بر خود دارد. امری که حاکمین و اپوزیسیون راست را نگران کرده است.

بورژوازی حق دارد نگران باشد. حضور طبقه کارگر در راس اعتراض مردم به فقر و سرکوب، تبدیل طبقه کارگر به نماینده آزادی، برابری، رفاه و عدالت اجتماعی، سر بلند کردن این غول عظیم آزادیخواهی با شعار نه به استثمار، بنیاد سیستم استثمارگرانه شان را با خطر روبرو کرده است.

عرو تیز خامنه ای و استدعای رضا پهلوی به رژیم چینج ریشه در این هراس دارد. هراس از طبقه کارگر در راس جنبش برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و انقلاب کارگری!

دست و پا زدش برای نجات نظام امروز دیگر کارایی ندارد. تا جایی که به مردم ایران، به طبقه کارگر و صف آزادیخواهی برگردد، هم امریکا و دولت ترامپ و هم روسای جمهوری اسلامی و پرچم ضد امپریالیستی رنگ باخته آن، از طرف جامعه دست رد خورده است.

اعتراضات این دوره کارگران و مردم محروم از معلم و پرستار تا دانشجو و اقشار محروم بیش از هر زمانی امید و اتکا به نیروی خود را به اتحاد محرومان، به اتحاد طبقه کارگر ایران و به اتکا به نیروی این طبقه بسته است. تحولات امروز ایران مهر نه به محاصره اقتصادی و نه به دخالت دولتهای مرتجع، نه به فقر و بی حقوقی و نه به